

یادنامه مرحوم فرج... سلحشور
در گفت‌وگو با همکارانش

علمدار هنر انقلاب



کارشناسان در گفت‌وگو با «جام‌جم»
تأکید می‌کنند

نو شدن روحیه جمعی باخانه‌تکانی

۱۲

افزایش سقف حمایت
تناسبی با هزینه‌های فیلمسازی دارد؟

فیلم کوتاه

درگیر بودجه کوتاه‌تر



۱۰

رئیس رسانه ملی در آغاز به کار نخستین
یادواره «راویان مقاومت» تأکید کرد

جبهه سخت و نرم، میدان رزم شهدای رسانه مقاومت

۶



شور عیدانه کنسرت‌ها

نوای سازها در شهرهای مختلف کشور طنین‌انداز می‌شود

۱۱

یادداشت

مجید جوانمرد | کارگردان

زیبایی همکاری جوانان و باتجربه‌ها



خودم چه هنگام ساخت
سریال‌های تلویزیونی و چه در
زمان ساخت فیلم‌هایی مانند
دستمزد و شکار که بارها از تلویزیون پخش شده و اغلب هم
محبت مخاطبان را نسبت به من موجب گشته، اغلب سعی
می‌کردم از بازیگران جوان و باتجربه کنار هم استفاده کنم تا
به این ترتیب هم اجر هنرمندان باسابقه پاس داشته شود و
هم جوانان از باتجربه‌ها یاد بگیرند و از همه مهم‌تر برای هر دو
طیف، اشتغال ایجاد شود.

اگر همین الگوی استفاده از هنرمندان باتجربه و جوان
کنار هم در سریال‌ها و فیلم‌ها باب گردد، قطعاً سبب‌ساز آن
می‌شود که هم جوانان در کنار بزرگان مشق کرده و از آنها
بیاموزند و هم بزرگ‌ترها دلگرم می‌شوند که به آنها توجه شده
و این طور چرخ زندگی آنها هم می‌چرخد.

متأسفانه برخلاف همه شعارهایی که داده می‌شود بسیاری
از هنرمندان باتجربه، بیکار و کم‌کار هستند و بیکاری آفت هنر
است و عجیب‌ا که این آفت بدجوری در میان هنرمندان باسابقه
ما رخنه کرده است. چرا هنرمندان قدیمی باید بیکار باشند؟

چرا در این همه سریالی که ساخته می‌شود جایی برای بزرگان
بازیگری نیست.
گاهی در تلویزیون خودمان دیده‌ام که سعی می‌کنند از
بازیگران قدیمی در سریال‌ها استفاده کنند که خیلی هم
زیبنده و مناسب است، چون هم باعث افزایش استقبال
مخاطبان می‌شود و هم این که کیفیت سریال بالا می‌رود و هم
کمکی است به اقتصاد متزلزل اهالی هنر.

به نظرم، هم باید سریال‌سازان پلنگر هم و هم فیلمسازان
همین روند را در انتخاب بازیگر و واسطیاری نقش‌ها رعایت
کنند. زمانی که در فیلم دستمزد از محمد صالح علای جوان
در کنار مهدی فتعی باتجربه استفاده کردم خیلی‌ها فکر
نمی‌کردند این زوج بتوانند تا این حد مخاطب‌پسند باشند
که بعد از سال‌ها همچنان در ذهن مخاطب بمانند ولی
واقعیت آن بود که هدف ما درست بود و همین هم عامل
ماندگاری شد.

الان هم می‌شود باز هم از همین روش برای انتخاب بازیگران
یک سریال استفاده کرد. هنوز هم بازیگران باتجربه فراوانی
داریم که خانه‌نشین هستند و فقط باید یک بازیگردان توانمند
و حرفه‌ای در کنارشان باشد و خودمان هم قدری در تاریخ
سریال‌های تلویزیونی تأمل کنیم تا بتوانیم چنین بازیگرانی
را از کنج انزوا درآورده و با سپردن نقش به آنها، عیار کار خود
را بالا ببریم.

گزارش

مسیری که بدون حجاب طی شد

رسوایی‌های جنسی در آکادمی نوبل

به دلیل وقوع یک‌سری تعرضات جنسی در آکادمی نوبل، بخش نوبل
ادبیات، یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جوایز ادبی جهان هم در خطر تعلیق
قرار گرفت. وبسایت بی‌بی‌سی در تاریخ سوم ماه می ۲۰۱۸ برابر با
۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ نوشت: «...این آکادمی سوئدی در پی نحوه مدیریت
سورفتار جنسی یک عکاس فرانسوی به نام ژان کلود آرنولت، که همسر
یکی از اعضای سابق آکادمی است، هدف انتقادهای جدی قرار گرفت...»



سجید مستغنی
گروه فرهنگ و هنر

رادیوسوند در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۱۸ اعلام کرده بود:

«... کارل گوستاو شانزدهم، پادشاه سوئدن در این
رابطه به رادیوی سوئدن گفت: وضعیت پیش آمده
خیلی مهم است و من همیشه در جریان تحولات
داخلی آکادمی زبان سوئدن در مصاحبه‌ها رادیو
پیش‌آمده برایم خوشایند نیست.
کارل گوستاو شانزدهم، پادشاه سوئدن در
ادامه افزود: مشکل به وجود می‌آید و ما آن را
حل می‌کنیم. این مشکل هم دیر یا زود حل
می‌شود اما باید اجازه داد تا زمان خود را طی کند.
این در حالی است که اندرش اولسون، یکی از اعضای
هیأت‌مدیره آکادمی زبان سوئدن در مصاحبه‌ها رادیو
سوئدن گفت که این افراد به دلیل مخالفت با یکی دیگر
از اعضای این آکادمی به نام کترینا فروستن سون، از
کار کناره‌گیری کرده‌اند. کترینا فروستن سون، همسر
ژان کلود آرنولت است. ژان کلود همان شخصی است که
متهم به تجاوز جنسی شده است. اندرش اولسون در
ادامه افزود: اعضای دیگر آکادمی زبان سوئدن رای به
اخراج کترینا فروستن سون از این آکادمی داده‌اند...»

رسوایی چگونه آغاز شد؟

پاییز گذشته در ماه نوامبر ۱۸ زن با الهام از جنبش
مقابله با آزار جنسی و افشای متخلفان به نام
#MeToo ژان کلود آرنولت را متهم کردند که در ساختمان
آکادمی نوبل آنها را مورد تعرض جنسی قرار داده است.
در پی طرح این اتهامات نهاد نوبل با رای‌گیری میان
اعضای خود تصمیم گرفت کاترینا فروستن سون
همسر آقای آرنولت را از کمیته ۱۸ نفر نوبل ادبیات کنار
بگذارد. این رسوایی در کنار اتهامات مربوط به تضاد
منافع و درز اسامی برندگان نوبل در میان اعضای این
آکادمی اختلاف ایجاد کرده و به استعفاي چند نفر از
جمله خانم فروستن سون و نیز پروفیسور سارا، دنیوس

رادیوسوند در تاریخ ۴ ماه می ضمن اعلام خبر فوق گفت:

«... اندرش اولسون، قائم مقام دبیر
دائمی آکادمی زبان و ادب، در این

رئیس آکادمی منجر شده است. در پی این استعفاها،
برای کمیته نوبل تنها ۱۱ عضو باقی ماند که کمتر از
میزان لازم برای اظهارنظر یا رای‌گیری است. در پی
این اختلافات اعضای آکادمی که پیش از این اغلب
فعالیت‌های شان سری و دور از انظار عمومی بود، به
طور علنی یکدیگر را متهم کرده‌اند. هوراس انگدل،
یکی از اعضای این آکادمی، اعضای را که استعفا
داده‌اند، بی‌لیاقت خواند و گفت: خانم دانیوس یکی
از بدترین رسوای آکادمی بوده است.
در عین حال حامیان دانیوس او را مصلحی دانستند
که در تلاش برای تغییر یکر موسسه مردسالار بوده
است. او نخستین زنی است که در تاریخ نوبل به
ریاست این موسسه رسیده است. سارا دانیوس در پی
رسوایی در آکادمی نوبل از کار خود کناره‌گیری کند.
آکادمی نوبل اعلام کرد: در سال ۲۰۱۸، از دادن جایزه
نوبل در ادبیات خودداری می‌کند.

آزار وسیع کودکان در استرالیا؛ یک فاجعه و تراژدی ملی!

براساس گزارش تحقیقی کمیسیون سلطنتی
تحقیقات استرالیا در سال ۲۰۱۷، بیش
از ده‌هزار کودک در طول سال‌ها در
موسسه‌ها و نهادهای عمومی استرالیا
اذیت و آزار جنسی شده‌اند، به شکلی
که تعیین عدد دقیق قربانیان این
آزارها عملاً ممکن نیست. سرویس
جهانی BBC ضمن انتشار نتایج
این تحقیق در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۷ که
در طول پنج سال از سوی عالی‌ترین
مرکز تحقیقات عمومی استرالیا انجام
شده، گزارش کرده است که این تحقیق
براساس گفت‌وگو با ۱۵ هزار نفر درباره
داشتن تجربه آزار دیدن جنسی و
شهادت بیش از ۸۰۰۰ کودک قربانی



تصمیم آکادمی
نوبل مبنی بر
خودداری از دادن
جایزه ادبی در سال
۲۰۱۸ انعکاسی
بسیار گسترده در
سطح جهانی داشت
ورسانه‌های مهمی
مانند CNN و BBC
مفصل به این
موضوع پرداختند



فرهنگی و اقتصادی و ... فراتر رفته و به رسانه‌های
مجازی می‌رسد. شبکه‌های اینترنتی و موتورهای
جست‌وجویی که روزانه ده‌ها میلیون کاربر از آنها
استفاده می‌کنند، اینک با مرجع و منبعی مواجه
هستند که کارکنانش به دلیل وجود فضای ناسالم
اخلاقی، آن را تحریم می‌کنند. حالا دیگر چگونه
می‌توان به داده‌های آن اعتماد کرد؟
به دنبال اعتصاب هزاران نفر از کارکنان شرکت گوگل
در فوریه ۲۰۱۸ و در ۴۰ کشور جهان، مدیرعامل این
شرکت مهم اینترنتی و رایانه‌ای در کنفرانسی که
نشریه نیویورک تایمز برگزار کرد، اعتراف کرد گوگل از
استانداردهای خود به شدت نزول کرده است!
اعتراف سوندر پیتچای (مدیرعامل هندی‌تبار گوگل)
واکنشی بود به اقدام هزاران نفر از کارکنان گوگل که
پنجشنبه اول نوامبر ۲۰۱۷ در اعتراض به سکسیسم و
تعرض‌های جنسی مدیران این کمپانی، از دفتر خود
بیرون آمدند و دست‌از‌کار کشیدند.

سازمان دهندگان این اعتصاب، مدیران گوگل را
متهم کردند که مزاحمت‌های جنسی علیه کارکنان
زن به راه انداخته‌اند. مدیر اجرایی گوگل چند روز
پیش اعلام کرده بود که ۴۸ نفر از مدیران گوگل در دو
سال گذشته به خاطر تعرض و مزاحمت جنسی اخراج
شده‌اند. بیشتر نشریه نیویورک تایمز موارد زیادی
از آزار و اذیت جنسی کارکنان گوگل را فهرست کرده و
نوشته بود که مدیران این شرکت سعی در لاپوشانی
موضوع دارند.

یکی از دلایل اعتصاب کارکنان گوگل در روز اول
نوامبر ۲۰۱۷، پخش خبری پیرامون اندی رابین،
بنیان‌گذار سیستم‌عامل اندروید بود. رابین در
سال ۲۰۱۴ از گوگل رفت اما نیویورک تایمز فاش کرد
که او در اصل به خاطر تعرض جنسی از شرکت کنار
گذاشته شد اما ۹۰ میلیون دلار هم به عنوان بازخرید
به او پرداختند!

آزار و اذیت جنسی و همچنین هزاران نامه از کودکان
قربانی در سراسر استرالیا تنظیم شده است. براساس
این گزارش، کودکان مورد اشاره اغلب در مدرسه‌ها،
موسسات و نهادهای عمومی و باشگاه‌های ورزشی
مورد آزار و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. انتشار نتایج
تحقیقات درباره آزار و اذیت جنسی کودکان در
استرالیا به حدی تکان دهنده بود که مالکوم ترنوبل،
نخست‌وزیر استرالیا در اکتبر ۲۰۱۸ نتایج این گزارش
را تأسف‌بار خواند و آن را یک فاجعه و تراژدی ملی
توصیف کرده است. این فجایع انسانی در کشورها و
جوامعی اتفاق می‌افتد که مدعی تمدن و پیشرفت
و رعایت حقوق زنان و کودکان بوده و از این جهت
جوامع و کشورهای دیگر (و اغلب مخالف خود) را متهم
به عدم رعایت حقوق یادشده می‌کنند. این در حالی
است در اغلب گزارشاتی که خود موسسات و نهادهای
پژوهشی و آماری غرب درباره فاجعه تعرضات جنسی
ارائه می‌دهند، به ندرت کشورهای غیروابایی دیده
می‌شوند و اغلب رتبه‌های لیست رکوردداران تجاوزات
و تعرضات جنسی را کشورهای به اصطلاح متمدن
غربی اشغال کرده‌اند! همان‌ها که در سازمان‌ها و
موسسات دست‌ساخته خویش مانند یونسکو،
برای همان به اصطلاح رعایت حقوق زنان و کودکان،
اسنادی مانند سند ۲۰۴۰ تجویز می‌کنند که خودشان
را به این فاجعه کنونی دچار کرده‌اند و حالا آن را به
کشورهای دیگر نیز حقه می‌کنند! و متأسفانه برخی
وادادگان، شیفتگان و خودباختگان غرب در داخل
کشور نیز کورکورانه به اجرای این‌گونه اسناد ضدبشری
تحت عنوان ترقی و تمدن اقدام می‌ورزند!

اعتراف مدیرعامل گوگل به تعرضات جنسی مدیران این شرکت

حالا دیگر رویکرد ضداخلاقی و رسوایی‌های
جنسی از مراکز و سازمان‌ها و موسسات سیاسی و